

چکیده

ساختار زبان اردو با توجه به پیشینه تاریخی آن دارای شکل‌های قابل توجهی است که مطالعه و تحقیق و دقت در این اشکال، به شناخت بیشتر آن کمک می‌کند. از سویی، مصدر از عوامل ساختاری زبان است و از آنجا که در زبان اردو بیشتر واژگان از دیگر زبان‌ها اخذ شده‌اند، مصدرهای ساده ترکیبی و جعلی موجود در آن، با توجه به گسترش میزان پذیرش کلمات دیگر زبان‌ها در این زبان جنبه‌های متفاوتی دارند. بررسی زمینه‌های ساختاری و شکل ساختار آن‌ها، در شناخت بیشتر این زبان حائز اهمیت است.

واژه‌های کلیدی

مصدر، پیشینه تاریخی، ترکیب، مصدر جعلی

پس از دوران جنگ، عده زیادی از سربازان در این سرزمین باقی ماندند، از سویی، دست نشانندگان، فرمانروایان مهاجم، در این خطه تشکیل حکومت دادند و زبان رسمی و اداری خود را زبان فارسی قرار دادند.

به دلیل تنگناهای حکومتی و اندیشه ستیزی برخی حکومتگران، مردم بسیاری از ایران و دیگر سرزمین‌ها، به ویژه ادیبان، شاعران، اندیشمندان و صوفیان، به شهرهای مستعد و آباد هند مهاجرت کردند و ساکن هندوستان شدند. زبانی که پیشتر پایه آن با همکاری بومیان و مهاجمان نظامی ریخته شده بود، به دست نسل جدید مهاجران و مردم بومی گسترش یافت و در طول دوره‌های مختلف با نام‌های هندی، هندوی، اردوی معلّی و اردو نامگذاری شد. ویژگی‌های ساختاری این زبان را چنین می‌توان توصیف کرد؛ که دستور زبان و خمیر مایه اصلی زبان که عبارت از مصدرها، افعال، زمان‌ها، ترکیبات و اصطلاحات و ... بود از زبان‌های موجود از جمله هندی و پنجابی وارد این زبان شدند و اسکلت وجود آن را تشکیل دادند. گوشت و پوست و دیگر اعضای ظاهری آن نیز از زبان‌های فارسی، عربی و ترکی، توسط عوامل ذکر شده بدان افزوده شد. البته این زبان خاصیت قبول واژه‌های خارجی را همچنان حفظ کرده است، تا آنجا که امروزه از ده زبان مختلف واژگان و ترکیبات زیادی در آن وجود دارند. (الحاج فیروزالدین، بی‌تا، ص ۵)

مطالعه تفصیلی این تأثیرات دامنه بسیار وسیعی را شامل می‌شود که در این‌جا، مجال سخن گفتن درباره آن نیست. هدف از نگارش و تحقیق در این مقاله، ارائه مصدرهای جعلی ساده‌ای است که از فارسی و گاهی عربی اخذ شده است. قبل از پرداختن به این بحث لازم است توضیحاتی اجمالی درباره شکل و طرق شکل‌گیری مصدرهای اردو بیان شود. مصادر موجود در زبان اردو را به طور کلی می‌توان به چهار دسته اصلی تقسیم نمود:

الف: مصدرهای ساده هندی: همان‌طور که از نام این گونه مصدرها پیداست، ریشه جامدی دارند و با افزودن *نا* علامت مصدری اردو به آن ساخته شده‌اند. اغلب مصدرهای ساده زبان هندی در زبان اردو به همان شکل کاربرد دارند:

اُگنا: روییدن	تینا: گرم شدن
بدنا: بستن	تجنا: رها کردن

(الحاج فیروزالدین، بی‌تا.)

ب: مصدرهای مرکب هندی: یعنی مصدرهایی که از ترکیب دو یا سه واژه هندی با یک مصدر ساده ساخته شده‌اند و در زبان اردو به کار برده می‌شوند. این قبیل مصادر را به ترتیب زیر می‌توان تقسیم کرد:

۱- مصدرهایی که با ترکیب *یک* یا دو اسم مذکر یا مؤنث و *یک* مصدر ساده ساخته

می‌شوند:

چرچا کرنا: چرچا (اسم مذکر هندی) + کرنا (مصدر ساده هندی): ذکر کردن - نام بردن
(الحاج فیروزالدین، بی‌تا، ص ۱۶۰)

چکر مارنا: چکر (اسم مذکر هندی) + مارنا (مصدر ساده هندی): دور زدن - چرخ زدن
(الحاج فیروزالدین، بی‌تا، ص ۵۲۵)

بات کرنا: بات (اسم مؤنث ہندی) + کرنا (مصدر سادہ ہندی): حرف زد (Archive of SID)
(الحاج فیروزالدین، بی تا، ص ۵۳۱)

۲- مصدرهایی که با ترکیب يك یا دو صفت و يك مصدر سادہ ہندی ساخته می‌شوند:

لمبے، حوٹے، اکتلا، لمبے، حوٹے، (صفات مؤنث ہندی) + ہانگنا (مصدر سادہ ہندی):
۱- لاف زدن ۲- داستان بلند تعریف کردن (نورالحسن نیر ۱۹۸۹، ص ۱۱۱)

۳- مصدرهایی که با ترکیب يك یا دو قید و يك مصدر سادہ ہندی ساخته می‌شوند:

ساتھ رہنا: ساتھ (قید ہندی) + رہنا (مصدر سادہ ہندی): ہمراہ ہون - ہمراہ شدن
(الحاج فیروزالدین، بی تا، ص ۴۰۳)

نیچا دکھانا: نیچا (قید ہندی) + دکھانا (مصدر سادہ ہندی): خوار و ذلیل کردن
(الحاج فیروزالدین، بی تا، ص ۶۹۳)

۴- مصدرهایی که از ترکیب يك بن مصدری (مصدر بدون نا) از مصدر سادہ دیگر و يك مصدر سادہ کامل ساخته می‌شود:

کر دیکھنا: کر (بن مصدری از مصدر سادہ کرنا) + دیکھنا (مصدر سادہ ہندی): تجربہ کردن
(الحاج فیروزالدین، بی تا، ص ۵۳۴)

دیکھ لینا: دیکھ (بن مصدری از مصدر سادہ دیکھنا) + لینا (مصدر سادہ ہندی): آزمودن
(الحاج فیروزالدین، بی تا، ص ۳۵۳)

۵- مصدرهایی که از ترکیب يك یا دو اسم مذکر یا مؤنث و يك حرف اضافه یا يك قید و مصدر ساخته می‌شوند .

کھونٹے سے بندھنا: کھونٹا (اسم مذکر ہندی) + سے (حرف اضافه ہندی) +
بندھنا (مصدر سادہ ہندی): عقد شدن - بہ عقد درآمدن

(نورالحسن نیر ۱۹۸۹، ص ۹۰۵)

تذکر: شاید بتوان تقسیم بندی دیگری را برای مصدرهای ہندی موجود در اردو نوشت که این کار به پژوهش و کاوش و فرصت بیشتری نیاز دارد.

ج: مصدرهایی که از ترکیب اسم‌ها، صفت‌ها و قیدها و حروف اضافه فارسی یا عربی تشکیل شده‌اند، آن‌ها را نیز به ترتیب زیر می‌توان تقسیم کرد:

۱- مصدرهایی که از ترکیب يك یا دو اسم مذکر یا مؤنث فارسی یا عربی و يك مصدر سادہ ہندی ساخته شده‌اند:

خون دل پینا: خون و دل (دو اسم مذکر فارسی) + پینا (مصدر سادہ ہندی): خون دل خوردن (نوشیدن)

(الحاج فیروزالدین، بی تا، ص ۳۲۲)

شعر پڑھنا: شعر (اسم مذکر عربی) + پڑھنا (مصدر سادہ ہندی): شعر خواندن
(الحاج فیروزالدین، بی تا، ص ۴۰۵)

شمشیر تولنا: شمشیر (اسم مؤنث فارسی) + تولنا (مصدر سادہ ہندی): برای ضرب زدن آماده شدن

(الحاج فیروزالدین، بی تا، ص ۸۴۷)

۲- مصدرهایی که از ترکیب يك صفت یا يك قید فارسی یا عربی و يك مصدر سادہ ہندی

- دل باغ باغ هونا: دل (اسم مذکر فارسی) + باغ باغ (قید حالت فارسی) + هونا (مصدر ساده هندی): خوشحال شدن (الحاج فیروزالدین، بی تا، ص ۳۳۸)
- شام کا صبح کرنا: شام (قید زمان عربی) + کا (نشانه اضافه هندی) + صبح (قید زمان عربی) + کرنا (مصدر ساده هندی): شب را به صبح رساندن (الحاج فیروزالدین، بی تا، ص ۴۴۵)
- قلم انداز کرنا: قلم انداز (قید حالت مرکب فارسی) + کرنا (مصدر ساده هندی): نادیده گرفتن (الحاج فیروزالدین، بی تا، ص ۹۶۱)

۳- مصدرهایی که از ترکیب اسمها، صفتها، قیدها و حروف اضافه فارسی و عربی و هندی و پنجابی به صورت گروهی و یک مصدر ساده یا مرکب هندی ساخته می‌شوند و در حقیقت یک گروه مصدری را تشکیل می‌دهند:

- فرزند می قبول کرنا: فرزند (اسم منسوب فارسی) + می (حرف اضافه هندی) + قبول (اسم مذکر عربی) + کرنا (مصدر ساده هندی): بی فرزند می قبول کردن (الحاج فیروزالدین، بی تا، ص ۹۲۸)
- قدم پر ہاتھ دھرنا: قدم (اسم مذکر عربی) + پر (حرف اضافه هندی) + ہاتھ (اسم مذکر هندی) + دھرنا (مصدر ساده هندی): ابراز عجز و افتادگی کردن (نورالحسن نیر ۱۹۸۹، ص ۶۵۴)

د: مصدرهای جعلی ساده‌ای که از مصدرها، اسمها، صفتها و قیدهای فارسی و عربی اخذ شده‌اند.

درباره چگونگی ساخت و ورود این‌گونه واژه‌ها و بررسی چگونگی شکل‌گیری مصدرهای جعلی ساده به زبان اردو بیشتر توضیحاتی داده شد. حال چنین می‌توان افزود که: دانشوران و سخن‌سازان و حتی مردم عادی اردو زبان با قبول بسیاری از واژه‌ها، اصطلاحات، محاورات، ضرب‌المثل‌ها و ترکیبات فارسی و عربی برای سهولت در کاربرد آنها با ایجاد تغییراتی، آنها را مطابق ذوق و سلیقه زبان خود به کار برده‌اند، تا رنگ و بوی بیگانگی از واژه مورد نظر زدوده شود و برای بیان مقاصد و اهداف مورد نظر کاملاً آماده شود.

این واژگان از طریق ترجمه‌های متون منظوم و منثور به زبان اردو در دوره‌های مختلف وارد این زبان شده‌اند. از سویی عرفا و صوفیان بزرگی که برای تبلیغ دین اسلام از ایران به شبه قاره مهاجرت کرده بودند، با تربیت شاگردان و مریدان محلی و آموختن زبان فارسی و عربی به آنها، برخی اصطلاحات و ترکیبات و ... را نیز به آنها می‌آموختند که این خود یکی از عوامل حفظ و پایداری زبان فارسی و عربی به عنوان یک زبان مقدس با وجهه دینی مذهبی در این سرزمین است.

عامل بسیار با اهمیت در تداوم و حفظ زبان فارسی در شبه قاره را باید حکومت‌های مسلمان آنجا دانست که با وجود این‌که برخی از این سلسله‌های حاکم مانند جانشینان محمود غزنوی و گورکانیان هندی، ترک زبان بودند، زبان رسمی و اداری و درباری خود را فارسی کرده و ادیبان و شعرای فارس زبان را ارج می‌نهادند.

فارسی، مهاجرت عرفا و صوفیان و بزرگان دینی و مذهبی، مهاجرت دانشمندان و ادیبان و شعرای فارسی‌گو به هند، از سوئی، و استقبال مردم محلی از زبان فارسی و عربی به عنوان یک زبان مقدس و ادبی، از سوی دیگر، موجب شد که بسیاری از واژگان، ترکیبات، اصطلاحات، محاورات و مثل‌های فارسی و عربی آنچنان با زبان اردو درآمیخته‌اند که تفکیک و حتی شناسایی برخی از آنها ناممکن می‌نماید. از جمله این واژگان می‌توان به مصدرهایی در اردو اشاره کرد که به نوعی از زبان فارسی یا عربی گرفته شده‌اند و تنها با افزودن علامت مصدري اردو به اسم‌ها، صفت‌ها و قیدها و نیز با حذف علامت‌های مصدري فارسی ساخته شده‌اند.

در این مقاله، فهرستی از مصدرها با ذکر منابع و نیز ریشه آنها در زبان فارسی و عربی، به همراه معنی آنها ارائه شده است. مصدرهای مورد نظر از منابع و مراجع مختلف از جمله: نورالغات، فیروز اللغات، فرهنگ اردو - فارسی و فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اردو استخراج شده‌اند که به ترتیب با علامات اختصاری:

نور: نورالغات
ر.ش: فرهنگ اردو - فارسی شهریار نقوی
فر: فیروزاللغات
فر.وا: فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اردو
در جدول مشخص شده‌اند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که شاید با تحقیق و تفحص در کتب دیگر، تعداد بیشتری از این گونه مصدرها را بتوان یافت، اما با توجه به محدود بودن منابع، که خود معضلی است برای دانشجویان و محققان زبان اردو در ایران، از چهار منبع در دسترس این مصدرها، با دقت فراوان استخراج شده‌اند. نکته دیگری که قبل از مطالعه این مصدرها باید در نظر داشت این است که در زبان اردو، همانند زبان هندی، با افزودن یک الف به آخر بن مصدري، فعل مورد نظر را متعدی می‌کنند. به عنوان مثال «بجنا» به معنی «نواخته شدن» یک مصدر لازم است، اما با افزودن یک الف «بجانا» به معنی «نواختن» آن مصدر متعدی شده است. گاهی نیز به مصادر متعدی این الف افزوده می‌شود و کیفیت متعدی بودن فعل را بیشتر می‌کند. «کرنا» به معنی «کردن» را در نظر بگیرید که خود یک مصدر متعدی است. اما با افزودن الف به آن به صورت «کرانا» به معنی «توسط دیگری انجام دادن» درآمده است.

این تغییر به اینجا خاتمه نمی‌یابد، بلکه گاهی به جای الف حروف «وا» به بن مصدري لازم یا متعدی افزوده می‌شود و کیفیت متعدی بودن را باز هم بیشتر می‌کند. «کروانا» به معنی «توسط کس دیگری دستور انجام دادن کاری را دادن» است. معادل آنها در فارسی «اندن» و «انیدن» است: رهیدن- رهاندن- رهانیدن.

با این توضیحات مصدرهای جعلی مورد نظر که به ۳ دسته تقسیم شده‌اند؛ در زیر آورده می‌شوند:

الف: مصدرهایی که از مصدرهای فارسی گرفته شده‌اند و با حذف علامت مصدري فارسی و افزودن علامت مصدري اردو ساخته شده‌اند:

مصدر	منابع	مصدر	معنی در فارسی	توضیحات
------	-------	------	---------------	---------

		فارسي		اردو
—	آزمایش کردن- آزمودن	آزمودن	نور- فیر- فر.ش-فر.وا	آزمانا
—	باعث بخشش شدن- بخشانیدن	بخشیدن	فر.وا	بخشانا
—	(۱) بخشیدن- عفو کردن (۲) عطا کردن	بخشیدن	نور- فیر- فر.ش-فر.وا	بخشنا
—	بخشانیدن- معاف کردن	بخشیدن	فر.وا- فر.ش	بخشوانا
—	تراشیدن- آرایش کردن	تراشیدن	نور- فیر- فر.ش	تراشنا
این مصدر در فیروزاللغات، هندي نوشته شده است.	تراشیده شدن	تراشیدن	نور- فیر	ترشنا
—	خریدن	خریدن	نور- فیر- فر.ش-فر.وا	خریدنا
در منابع فیر و نور این مصدر به صورت درگزرنا آمده است.	بخشیدن- رها کردن- گذشت کردن	درگذشتن	فر.وا	درگذرنا
—	بخشیدن- رها کردن- گذشت کردن	درگذشتن	فیر- نور- فر.وا	درگزرنا
—	(۱) غریدن- با عصانیت فریاد کشیدن (۲) کفران نعمت کردن	غریدن	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	غرانا
—	فرمودن- گفتن	فرمودن	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	فرمانا
—	صرف کردن يك فعل	گرداندن	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	گرداننا
املاي این مصدر و نیز مصدر بعدي در منابع فیر، نور و فر.ش	(۱) گذراندن زندگي (۲) نماز گزاردن	گذراندن	فر.وا	گذارنا

به جاي "ذ" به صورت "ز" نوشته شده است.				
—	(۱) گذشتن، عبور کردن (۲) مردن	گذشتن	فر.وا	گذرنا
—	(۱) گزاردن نماز (۲) ادا کردن	گزاردن	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	گزارنا
—	(۱) ارائه کردن (۲) گزارندن (۳) نذر کردن	گزارندن	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	گزارنا
—	(۱) گذشتن (۲) مردن (۳) ضایع شدن - تباه شدن	گذشتن	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	گذرنا
—	(۱) لرزاندن- جنباندن (۲) ترساندن	لرزاندن	فیر- نور- فر.وا	لرزانا
—	(۱) لرزیدن- جنبیدن (۲) ترسیدن	لرزیدن	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	لرزنا
این مصدر در فیروزاللغات، هندي آمده است.	بخیه زدن- آجیدن- کوک کردن	نگندن	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	نگندنا
—	(۱) لطف کردن- عنایت کردن (۲) احترام گذاشتن- نوازش کردن	نواختن	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	نوازنا
—	از راه بدر کردن- فریفتن- تحریک کردن	ورغلانیدن	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	ورغلانا
—	از راه بدر کردن- فریفتن- تحریک کردن	ورغلانیدن	فر.وا	ورغلاننا

ب: مصدرهایی که از اسامی فارسی و عربی گرفته شده‌اند. یعنی با افزودن « نا»، علامت مصدری اردو به آخر این اسامی، مصدرهای جعلی ساده اردو ساخته شده‌اند، به ترتیب مصدر اردو، اسم منبع، معنی و توضیحات ذکر می‌شوند:

مصدر	منابع	اسامی	معنی در فارسی	توضیحات
------	-------	-------	---------------	---------

اردو	فارسي و عربي		
بحثنا	بِحِث (عربي)	(۱) بحث کردن - (۲) مباحثه کردن	—
بخيانا	بِخِيَا (فارسي)	بخيه زدن - بخيه کردن	—
بدلانا	بَدَل (عربي)	(۱) تغيير دادن (۲) انتقال دادن	—
بدلنا	بَدَل (عربي)	(۱) تغيير دادن (۲) منتقل کردن	—
بدلوانا	بَدَل (عربي)	باعث تغيير شدن - توسط كسي تغيير دادن	—
برمانا	بَرَمَا (فارسي)	سوراخ کردن با مته	این مصدر در فیروزاللغات، هندی نوشته شده است.
بغبغانا	بَغْبَغَا (عربي)	مست شدن (کبوتر و شتر)	این مصدر می‌تواند از واژه بغبغو که در فرهنگ دهخدا فارسي و به معنای آواز کبوتر است، نیز ساخته شده باشد.
تجویزنا	تَجْوِيز (عربي)	پیشنهاد کردن - طرح کردن	—
تحصيلنا	تَحْصِيل (عربي)	بدست آوردن - وصول کردن	—
خرادانا	خَرَاد (عربي)	خراطي کردن	—
خرچنا	خَرْج (عربي)	خرج کردن - صرف کردن	—
داغنا	دَاغ (فارسي)	(۱) داغ کردن (۲) شلیک کردن (۳)	—

	غیت کردن (۴) آتش زدن- گرم کردن			
—	(۱) داغ شدن (۲) شلیک شدن (۳) روشن شدن آتش، گرم شدن (۴) لج کردن	داغ (فارسی)	نور- فیر- فر.وا- فر.ش	دغنا
—	(۱) داغ کردن (۲) دستور شلیک دادن (۳) دستور آتش زدن دادن	داغ (فارسی)	فیر.	دغوانا
—	دفن کردن	دفن (عربی)	فیر- نور- فر.وا	دغنانا
—	دستور رنگ کردن دادن	رنگ (فارسی)	فیر- نور- فر.ش	رنگانا
—	رنگ کردن- نقاشی کردن	رنگ (فارسی)	فیر- نور- فر.ش	رنگنا
—	برای رنگ کردن سپردن - دستور رنگ کردن دادن	رنگ (فارسی)	فیر- نور- فر.ش	رنگوانا
—	(۱) شرمنده کردن- پشیمان شدن (۲) شرمنده کردن- خجالت زده کردن	شرم (فارسی)	فیر- نور- فر.ش- فر.وا	شرمانا
—	تودماغی حرف زدن	غنه (عربی)	فیر- نور- فر.ش	غنغانا
—	باعث قبول شدن بودن- قبولاندن	قبول (عربی)	فیر- نور- فر.ش	قبلوانا
—	(۱) قبول کردن (۲) پسندیدن	قبول (عربی)	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	قبولنا
—	قبولاندن- به توسط کسی قبولاندن	قبول (عربی)	فر.ش	قبولوانا
در فرهنگ معین به معنی بوی خوش عطر و نیز ترکیبی از عطریات مختلف آمده	از تشنگی یا گرسنگی بی تاب شدن و نفس نفس زدن	لخلخه (عربی)	فیر- نور	لخلخانا

است.				
این مصدر امروزه متروک است و قدیمی محسوب می‌شود.	روشن کردن	نور (عربی)	فیر- نور	نورانا

پ: مصدرهایی که از صفت‌های فارسی ساخته شده‌اند، و به ترتیب مصدر اردو، منابع، اصل صفت فارسی، معنی در فارسی و توضیحات آورده خواهد شد.

مصدر اردو	منابع	صفت فارسی	معنی در فارسی	توضیحات
تلخانا	فیر- نور	تلخ	تلخ کردن	—
تنگیانا	فیر- نور	تنگ	(۱) تنگ و محکم بستن (۲) اسب را چهار نعل دواندن	—
چربانا	فیر- نور	جرب	(۱) چرب کردن- روغنی کردن (۲) نرم شدن	—
چربنا	فیر- نور	چرب	(۱) تفت داده شدن (۲) به هوش آمدن (۳) پیروز شدن	—
چربیانا	فیر- نور	چرب	چاق شدن- فریه شدن	—
سختانا	فیر- نور- فر.وا	سخت	(۱) سخت کردن (۲) سخت شدن- در اصطلاح شیمی سفت شدن یک ماده لازم آمده است اما در فر.وا متعدی نوشته شده است.	در فیروز این مصدر به صورت لازم آمده است اما در فر.وا متعدی نوشته شده است.
گرمانا	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	گرم	(۱) گرم شدن (۲) عصبانی شدن (۳) به راه افتادن-حرکت کردن (۴) مست و شهوتی شدن حیوانات	—

گمانا	فیر- نور- فر. ش	گم	(۱) گم کردن (۲) از خود بیخود شدن	—
مستانا	فیر- نور- فر.وا	مست	(۱) مست شدن (۲) مست کردن، شهوتی شدن	—
نرمانا	فیر- نور- فر.وا- فر.ش	نرم	نرم کردن - شل کردن	—

نتیجه گیری

در مقاله سعی بر آن بود تا ارتباط و نزدیکی زبان اردو با زبان فارسی برای خوانندگان عزیز مشخص شود. همانطور که مشاهده شد، واژگان فارسی غیر عربی که به نحوی به وجود زبان فارسی در آن خطه وابسته است، در ساخت مصدر، چه ساده (بسیط) و چه ترکیبی و به ویژه در مصادر جعلی، نقش بسیار عمده‌ای دارند. اردو زبانها مطابق ذوق و سلیقه خود در واژگان مهمان تغییر و تحولاتی به وجود آورده‌اند که واژه مهمان شکل و حالتی کاملاً مطابق آن خطه گفتاری به خود گرفته است تا جایی که شناسایی آنها گاهی در برخورد اول غیر ممکن و مشکل به نظر می‌رسد.

منابع

- الحاج فیروزالدین، فیروزاللغات جامع اردو، مؤسسه مطبوعاتی فیروز سنز لاهور، پاکستان، بی‌تا.
- الحاج فیروزالدین، فیروزاللغات اردو جدید، چاپ جدید مؤسسه مطبوعاتی فیروز سنز لاهور، پاکستانی، بی‌تا.
- چوهدری، شاهد، فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اردو، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۵.
- دهخدا، علی اکبر، « لغت نامه دهخدا»، سازمان لغت‌نامه دهخدا، بی‌تا.
- نقوی، سید با حیدر شهریار، «فرهنگ اردو - فارسی»، مؤسسه تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد: ۱۹۹۳.
- نیر، نورالحسن، « نوراللغات» ج ۴ - ۱ سنگ میل پبلی کیشنز، لاهور: ۱۹۸۹.